

ناکارآمدی سیاست‌های پولی انتزاعی

دکتر محمود جامساز

عادی برخوردار شده و بانک‌ها نیز بیشتر متمایل به وام‌دهی در امور بازرگانی که بازگشت سریع دارند، هستند و لذا به‌رغم قراردادهای سفت و محکم عقود اسلامی، منابع تسهیلاتی به مجرای غیرتولیدی ورود می‌کنند.

در این میان، بخش مسکن به‌دلایل خاصی مانند فزونی تقاضا بر عرضه، خصیصه غیروارداتی بودن، عدم جذب نقدینگی از سوی سایر بازارها و روند پیشی‌گرفتن رشد قیمت آن بر متوسط رشد تورم و ریسک کمتر نسبت به سایر بازارها، بیشترین نقدینگی را جذب خود کرده و به‌شدت نامتعادل شده است. لذا کاهش نرخ سود بانکی اگر حتی فقط در حوزه تسهیلات صورت گیرد، منابع تسهیلاتی را به سوی امن‌ترین بخش فعالیت‌های اقتصادی که ساخت‌وساز مسکن است، حرکت می‌دهد.

اما تجارب گذشته نشان می‌دهند که کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی، فاقد رابطه علی صرف با میزان سپرده‌گذاری و نرخ تورم در اقتصاد دولتی ایران است. در واقع، با وصف این که طی سال‌های گذشته همواره نرخ تورم از نرخ سود سپرده‌های بانکی بیشتر بوده، با وجود این، حجم سپرده‌گذاری روند صعودی داشته و در فرایند افزایش نقدینگی، رشد شبه‌پول که همان سپرده‌های مدت‌دار در بانک‌هاست، از رشد پول (سپرده‌های دیداری و اسکناس و مسکوک نزد مردم) به مراتب بیشتر بوده و در حال حاضر این نسبت سه به یک است. البته دلایل بسیاری بر این امر مترتب است، از جمله وجود انحصار دولتی که مجال ظهور بازارهای جایگزین را برای سپرده‌های مردم فراهم نکرده، بازار سرمایه که از کارایی لازم برخوردار نیست و زبان سهامداران، به‌ویژه سهامداران جزء در سال ۸۴ که موجبات سلب اطمینان از این بازار را فراهم کرده و این اطمینان هنوز به بازار بازنگشته است. بازار غیرمتمشکل پولی یا ربوی نیز به‌دلایلی مانند مغایرت با شرع و بی‌اعتمادی و ریسک بسیار بالا، موردعلاقه سپرده‌گذاران نبوده است. بدین ترتیب، در سال گذشته نیز که نرخ بهره‌های بانکی - اعم از تسهیلات و سپرده‌ها - کاهش یافت، باز هم بر میزان حجم سپرده‌های مدت‌دار اضافه شد، یعنی از رشدی معادل ۴۴/۴ درصد برخوردار شد. البته باید توجه داشت که سرمایه‌های بزرگ همواره درگیر فعالیت‌های

کاهش نرخ بهره بانکی و یکسانی آن در بانک‌های دولتی و خصوصی، که به‌رغم تصمیم شورای پول و اعتبار دایر بر تثبیت آن در سال جاری، توسط رییس‌جمهور اعلام شد، در محافل پولی و مالی کشور، غیرمنتظره و سیاستی انتزاعی ارزیابی شده است. در واقع، اتخاذ چنین تصمیمی، در جهت رونق‌بخشی به تولید و تشویق به سرمایه‌گذاری‌های مولد است، زیرا بدون تقویت و شکوفایی تولید، دستیابی به رشد اقتصادی هشت درصدی هدف برنامه میسر نیست، اما باید اذعان داشت که موانع سرمایه‌گذاری و تولید به‌قدری متکثر و متعدد است که تنها به صرف اتخاذ سیاست کاهش نرخ بهره بانکی، تحرک لازم در این حوزه به‌وقوع نخواهد پیوست. مهمترین عامل فقدان انگیزه سرمایه‌گذاری مولد هم نرخ نازل بازده نهایی سرمایه در حوزه تولیدات صنعتی و کشاورزی است که حتی ۱۲ درصد نرخ بهره تسهیلات را نیز پوشش نمی‌دهد. افزون بر آن، کسب مجوزهای متعدد و پرهزینه از سازمان‌های مختلف دولتی که به فرصت‌سوزی و افزایش هزینه‌های معاملاتی پنهانی می‌انجامد، دخالت‌های نامطلوب دولت در حوزه قیمت‌ها، از جمله دستمزدها و تحمیل نرخ‌های بالای بیمه سهم کارفرما، ناپایداری قوانین، مشکلات ناشی از قوانین و مقررات کار، تجارت، بیمه و مالیات، وجود انحصارات دولتی و از همه مهمتر، بهره‌وری پایین عوامل تولید، به‌ویژه نیروی کار، بخشی از معضلات موجود فراروی تولید هستند که زایل‌سازی آنها، با اعمال سیاست‌گذاری‌های انتزاعی عملی نیست، بلکه طراحی و اجرای یک بسته کامل سیاستی لازمست تا کلیه موانع موجود بر سر راه تولید را مرتفع سازد و اصولاً نظام کهنه و قدیمی تولیدی کشور را متحول سازد.

اما در حوزه‌های دیگر فعالیت‌های اقتصادی مانند دلالی، سوداگری، معاملات خرید و فروش مسکن و مستغلات، طلا و غیره یا معاملات قاچاق و زیرزمینی، بی‌تردید نرخ بازده سرمایه‌گذاری بسیار بالاست که حتی در صورت نرخ‌های گران سود تسهیلات نیز متقاضیان همواره در صف ایستاده‌اند، و عمدتاً به نام "تولید" اما به‌کام فعالیت‌های غیرتولیدی، از تسهیلات بانکی استفاده می‌کنند. لذا جابجایی منابع از امور تولیدی به امور غیرتولیدی در رژیم اقتصاد دولتی، از یک روال

■ ■ ■
موانع سرمایه‌گذاری و تولید به‌قدری متکثر و متعدد هستند که تنها به صرف اتخاذ سیاست کاهش نرخ بهره بانکی، تحرک لازم در این حوزه به‌وقوع نخواهد پیوست.
 ■ ■ ■

■ ■ ■
حتی اگر کاهش نرخ سود تسهیلات به کاهش نرخ سود سپرده‌ها منجر شود، باز هم در حجم تجهیز منابع بانک‌ها تغییر چندانی ایجاد نمی‌شود.
 ■ ■ ■